

گاهان: تداوم سنت دینی ایرانی یا گسست از آن (از منظر ایران‌شناسان غربی) سمانه فیضی^۱

چکیده

مطالعات سنت دینی زردشتی یکی از ارکان مهم شناخت ایران باستان است و پاسداشت ریشه‌ها و پیشینه فکری، فلسفی و فرهنگی ایران در گرو حفظ پیوند با آنهاست. در میان متون دینی زردشتی، گاهان جایگاه ویژه‌ای دارد و هسته اصلی این متون به حساب می‌آید. مطالعات زبان‌شناختی و تاریخی نشان می‌دهد متن گاهان از نظر زبان و محتوا با سایر قسمت‌های اوستا تفاوت برجسته‌ای دارد. همین تفاوت موجب شده است بسیاری از محققان حوزه ایران باستان این متن را سخنان خود زردشت بدانند. سؤال اینجاست که در این صورت، پیام زردشت که در گاهان بازتاب یافته است، چه نسبتی با سنت جاری در زمان خود دارد؟ آیا پیامی نو است یا در تداوم سنت دینی معاصر خود، همسو با آن قرار می‌گیرد؟ ایران‌شناسان پاسخ‌های متشتمی به این پرسش داده‌اند. نگارنده در مقاله حاضر کوشیده است با روش تحلیل محتوای کیفی و با بررسی ده نفر از ایران‌شناسان غربی برجسته که در قرن بیستم آثارشان را نگاهشته‌اند این پاسخ‌ها را دسته‌بندی و الگویی منسجم برای آن ترسیم کند. پس از بررسی و دسته‌بندی آرای متنوع، روشن شد تکثر نظرات را می‌توان در دو دسته با مؤلفه‌های مشخص جای داد: گسست یا پیوست با سنت دینی معاصر زردشت. معیار تشخیص گروه نخست، اعتقاد به نوآوری مفهومی گاهان، تغییر در نظام اعتقادی و اخلاقی، اثرپذیری آن از شرایط اجتماعی و سیاسی، و گروه دوم، عدم نوآوری، شباهت ساختاری و مفهومی آن با سنت پیشین و توسعه مفاهیم موجود است. شاخص‌های این دسته‌بندی به گونه‌ای است که می‌تواند بر پژوهش‌های دیگر درباره گاهان منطبق شود و معیاری برای بازشناسی آنها قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گاهان، زردشت، ایران باستان، هویت دینی، گسست، پیوست.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

۱. دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

s.feizi66@gmail.com

مقدمه

متون دینی زردشتی، به‌ویژه گاهان، بنیاد دینی، فرهنگی و اجتماعی ایران باستان‌اند. چشم‌انداز اخلاقی مطرح‌شده در گاهان، دوگانگی خیر و شر، قدرت و اختیار انسان بر انتخاب میان این دو، مباحث آخرت‌شناختی و مانند آن، ساختاری متفاوت به دیدگاه‌های الهیاتی و حیات اجتماعی انسان‌های معاصر خود داده که ریشه‌های آن تا زمان معاصر امتداد یافته است و اثراتش بر ادیان دیگر انکارناپذیر است. فهم این بنیادها هم به تحلیل تحولات تاریخی و اجتماعی حیات دینی کمک می‌کند، هم زمینه‌ساز فهم بهتر اثرات تفکر زردشتی بر فرهنگ، ادبیات، هنر و فلسفه ایرانی و شناخت بهتر هویت دینی و اخلاقی ایرانیان در طول تاریخ است که همچون پلی، گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد.

گاهان، از متون محوری دین زردشتی و در حقیقت تنها متن منسوب به شخص او است و به شهادت علم زبان‌شناسی کهن‌تر از سایر بخش‌های اوستا و واجد خصوصیتی است که باعث می‌شود آن سروده‌ها را باتوجه‌به میزان تحول دیگر لهجه‌های ایرانی باستان، «اوستای قدیم» بنامیم و حدود زمانی آن را بین سال‌های ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد قرار دهیم (کلنز، ۱۳۹۱: ۱۲). پیچیدگی‌های مفهومی و زبانی این متن، تفسیرهای متنوعی از آن فراهم آورده است؛ تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان و فیلسوفان تحلیل‌های مختلفی از این متن داشته‌اند؛ به‌طوری‌که دامنه اختلاف‌نظرهای محققان در این حوزه دین ایران باستان بسیار فراگیر است. مطالعه در آثار ایران‌شناسان غربی و محققانی که به‌طور خاص در زمینه گاهان قلم زده‌اند، ما را با انبوهی از اطلاعات، داده‌ها و آرای پراکنده و بعضاً متضاد مواجه می‌کند که گاه مایه شگفتی و سرگردانی پژوهشگران این حوزه است. بنابراین، تنظیم این آرای پراکنده در شکلی منظم و روشن شدن ماحصل این اختلاف‌رأی ضرورت می‌یابد.

«دسته‌بندی» یکی از شاخه‌های مدیریت دانش است که شامل طبقه‌بندی اطلاعات بر مبنای ویژگی‌های مشترکشان می‌شود و برای داده‌های علم، نظم و ساختار ایجاد می‌کند. مقوله‌ها چارچوبی را ارائه می‌دهند که دانش جدید در آن می‌تواند تولید و درک شود و این‌گونه امکان نوآوری و رشد را فراهم کند (کوتاندر، زندر^۱، ۱۹۹۹: ۳۸۷). به کمک دسته‌بندی داده‌های پراکنده، هم می‌توان دستیابی به اطلاعات مشترک و مرتبط را تسهیل

کرد و هم عمق بیشتری به تحلیل‌ها افزود. علاوه بر این، در فرآیند دسته‌بندی، الگوها و روندهایی شناسایی می‌شوند که در حالت پراکندگی اطلاعات مشهود نبود (داونپورت، پروسک^۱، ۱۹۹۸: ۵۵). از طرفی، دسته‌بندی اطلاعات در طبقات منظم و منطقی، افزون‌بر افزایش وضوح و شفافیت داده‌ها، از ایجاد سردرگمی نیز جلوگیری می‌کند؛ زیرا وقتی پژوهشگر با حجم بالایی از داده‌ها و اطلاعات روبه‌رو می‌شود، چه‌بسا از مسیر اصلی پژوهش منحرف یا نتایج تحقیقش دچار آشفتگی شود (چو^۲، ۱۹۹۸: ۱۱۲). براین اساس، دسته‌بندی برای بهره‌وری بیشتر از نتایج مطالعات و پرداختن به داده‌های مرتبط، امری ضروری است که باید در شاخه‌های مختلف علم به آن توجه شود و در این مقاله در مقام رویکرد تحلیلی و نظری در نظر گرفته شده است.

درباره گاهان پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها از منظر خاصی به سراغ آن رفته‌اند، مانند مقاله نمیرانیان (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی و سنجش افکار عرفانی اشوزردشت در گات‌ها با آثار عرفای بزرگ مسلمان فارسی‌سرای» که در آن از نگاه عرفانی به بررسی افکار زردشت و آموزه‌های عرفای مسلمان پرداخته و موارد مشابهی میان آموزه‌های عرفانی و گاهان یافته است. برخی دیگر، به موضوع خاصی در گاهان توجه کرده‌اند، مانند کامبین و دیگران (۱۴۰۲) که در مقاله «مراتب آفرینش در گاهان»، با بررسی آفرینش از نگاه اسطوره‌شناختی، نتیجه می‌گیرند که سه مرحله مختلف برای آن در گاهان ذکر شده و منظری عرفانی برای آن یافته است. برخی دیگر به وجه کلی محتوای گاهان نگرسته‌اند، مانند درویشی (۱۳۸۵) که در مقاله «بررسی گاهان اوستا از منظر دینی و زبان‌شناسی»، از دو منظر به گاهان پرداخته است؛ او از منظر دینی نتیجه می‌گیرد که گاهان مربوط به زمانی است که انگاره خدا به شکلی انتزاعی درآمده بود. نارتن (۱۳۸۳) در مقاله «مضمون یسن هفت‌ها و تقابل آن با گاهان» به هفت‌ها پرداخته است و می‌گوید در مقایسه با گاهان، اسطوره‌های خدایان پیشازردشتی دوباره در هفت‌ها ظهور می‌کنند.

پرسش مقاله حاضر با موضوع‌های یادشده متفاوت است؛ چگونه می‌توان آرای متشنت ایران‌شناسان غربی را درباره ارتباط گاهان با سنت دینی پیش از خود، ذیل دسته‌بندی منسجمی درآورد؟ نکته مهم در مطالعات گاهان این است که نخست ارتباط

1. Davenport & Prusak

2. Choo

آن با سنت دینی پیش از خودش روشن شود. بسیاری از محققان کلاسیک برای فهم گاهان ابتدا به این پرسش پاسخ گفته‌اند که جایگاه آن در تاریخ دین ایران کجاست تا بتوانند نشان دهند این متن چه پیام و محتوایی دارد و در این زمینه نیز نظرات مختلف و پراکنده‌ای را ارائه و دلایلی برای این نظرات اقامه کرده‌اند. سایر محققان حوزه دین زردشت نیاز دارند این مباحث را بشناسند تا بتوانند در پژوهش‌های خود به آن رجوع کنند؛ اما پراکندگی و اختلاف آرای اشاره‌شده این امر را دشوار می‌کند. نگارنده در این مقاله کوشیده است، آرای پراکنده را به‌طور دقیق مطالعه، مقوله‌بندی، مؤلفه‌سازی و شاخص‌هایی را از آن استخراج کند تا در نهایت برای دسته‌بندی آرای مذکور معیارهایی ارائه شود. به کمک این معیارها روشن خواهد شد هر یک از محققان متعلق به کدام دسته‌اند و مراجعه به اندیشه‌های آنان برای پژوهشگران تسهیل می‌شود.

روش پژوهش

هدف این مقاله، بررسی دیدگاه‌های ایران‌شناسان کلاسیک غربی (که در بازه زمانی قرن بیستم آثارشان را منتشر کرده‌اند) در باب نسبت گاهان با سنت دینی پیش از خود است. افراد بررسی‌شده در این مقاله شامل والتر برونو هنینگ^۱، هنریک ساموئل نیبرگ^۲، امیل بنونیست^۳، گئو ویدنگرن^۴، آر. سی. زنر^۵، ماریان موله^۶، ژاک دوشن‌گیمین^۷، گرارڈو نیولی^۸، مری بویس^۹ و ژان کلنز^{۱۰} هستند. این افراد از جمله برجسته‌ترین چهره‌های ایران‌شناسی‌اند که آرای آنها نه‌فقط به فهم عمیق‌تر فرهنگ و تاریخ دین ایران باستان کمک کرده؛ بلکه پایه‌ای برای پژوهش‌های دیگر نیز قرار گرفته است. از یک طرف، اندیشه‌های افراد بررسی‌شده در مجامع علمی این رشته اعتبار علمی بالایی دارند و مستند سایر پژوهش‌ها

1. Walter Bruno Henning (1908-1967)
2. Henrik Samuel Nyberg (۱۸۸۹-۱۹۷۴)
3. Émile Benveniste (1902-1967)
4. Geo Widengren (1907-1996)
5. Robert Charles Zaehner (۱۹۱۳-۱۹۷۴)
6. Marijan Mole (۱۹۲۴-۱۹۶۳)
7. Jacques Duchesne-Guillemin (۱۹۱۰-۲۰۱۲)
8. Gherardo Gnoli (۱۹۳۷-۲۰۱۲)
9. Mary Boyce (۱۹۲۰-۲۰۰۶)
10. Jean Kellens (۱۹۴۴)

قرار می‌گیرند و از طرف دیگر، تنوع رویکردی چهره‌های اشاره‌شده، این امکان را فراهم می‌آورد که طیف وسیعی از اندیشه‌ها بررسی شوند.

بررسی دیدگاه‌های این دانشمندان براساس روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است که در آن معانی، الگوها و زمینه‌های موجود در متن شناسایی و تفسیر می‌شوند. این روش به محقق کمک می‌کند به درک عمیق‌تری از پدیده مورد نظر دست یابد و بینش‌های عمیق و فهم معانی پیچیده را در داده‌های کیفی فراهم می‌کند (براون، کلارک^۱، ۲۰۰۶: ۸۷). مراحل اجرای این روش شامل تعریف پرسش تحقیق است، سپس جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری که به دسته‌بندی زمینه‌ها و الگوها در داده‌ها می‌پردازد و مؤلفه‌ها از آن استخراج می‌شوند. مرحله بعد، تحلیل و تفسیر داده‌ها که شامل شناسایی ارتباط الگوهای موجود در داده‌ها با پرسش تحقیق است. در آخر، گزارش نتایج تحقیق شامل یافته‌ها و تفسیرهای به‌دست‌آمده خواهد شد (سالدنا^۲، ۲۰۱۶: ۱۴).

باتوجه‌به مسئله پژوهش که دسته‌بندی آرای متشنت ایران‌شناسان درباره محتوای گاهان و نسبت آن با سنت دینی عصر خود است، آرای این افراد درباره این موضوع که در آثارشان ذکر شده است، جمع‌آوری و با نگاهی دقیق و جزئی‌نگر بررسی و مطالعه شدند. سپس به‌منظور کدگذاری، دیدگاه‌ها به اجزای کوچک‌تر تقسیم و مفاهیم کلیدی مندرج در هر یک شناسایی شد. این مفاهیم در قالب مؤلفه‌ها در متن تحقیق قید شده‌اند و با تکیه بر آنها مضامین این دیدگاه‌ها برای تشخیص الگوی مشترک استخراج شد. در متن تحقیق، خلاصه‌ای از دیدگاه هر یک از دانشمندان درباره گاهان و زردشت، به‌عنوان آورنده آن، قید شده و به مضامین کلیدی اشاره شده؛ سپس باتوجه‌به مضامین، شاخص‌هایی برای هر کدام تعریف شده است که براساس آن می‌توان دیدگاه‌های موجود را از این تشتت خارج کرد و نظامی منسجم برای دسته‌بندی‌شان عرضه نمود که بر نظریه‌های جدیدتری که در این زمینه ارائه می‌شود هم انطباق‌پذیر باشد.

معرفی گاهان

مطالعات در باب دین زردشتی از جمله حوزه‌هایی است که محققان در زمینه‌های مختلف

آن کمتر به اتفاق نظر رسیده‌اند. با وجود تحقیقات بسیاری که از قرن هجدهم میلادی تاکنون دربارهٔ دین ایران باستان و پیامبرش صورت گرفته، هنوز معماهای حل‌نشدهٔ فراوانی دربارهٔ این دین باقی مانده است؛ چنان‌که برخی همچون ماریان موله اساساً منکر وجود تاریخی زردشت‌اند (موله، ۱۳۶۳: ۲۹). از میان محققانی که وجود تاریخی او را می‌پذیرند، برخی همچون مری بویس (۱۳۸۶) و نیولی (۱۳۹۳) او را پیامبری همچون پیامبران ادیان ابراهیمی می‌دانند و گروهی دیگر مانند نیبرگ (نیبرگ، ۱۳۵۹) و ویدنگرن (ویدنگرن، ۱۳۷۷) شَمَن قبیله می‌خوانندش. دربارهٔ خاستگاهش، برخی او را اهل اَمَل (دریایی، ۲۰۰۲: ۲۵) برخی برآمده از غرب (پوردوورد، ۱۳۷۷: ۲۳) و برخی به استناد مطالعات زبان‌شناختی از شرق و اهالی خوارزم می‌دانند. البته جغرافیای منطقهٔ خوارزم نیز مورد اختلاف است (تفضلی و آموزگار، ۱۳۷۰: ۲۱-۲۲؛ هنینگ، ۱۳۷۹: ۷۵؛ نیولی، ۱۳۸۱: ۲۲۷). زمان زندگی زردشت هم از این اختلافات در امان نمانده است. برخی تاریخ سنتی کتاب‌های عربی و فارسی را پذیرفته‌اند و زمان او را سدهٔ پنجم تا ششم قبل از میلاد دانسته‌اند (هنینگ، ۱۳۷۹: ۷۴، تفضلی و آموزگار، ۱۳۷۰: ۱۴). برخی هم با مطالعات تاریخی و زبان‌شناختی تاریخ وی را به ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ پیش از میلاد رسانده‌اند (کلنز، ۱۳۹۱: ۱۲؛ نیولی، ۱۳۸۱: ۲۰۷؛ نیولی، ۱۳۹۱: ۴۲؛ بویس، ۱۳۷۴: ۴۷).

اختلاف نظر دربارهٔ متون مقدس زردشتی و به‌ویژه گاهان از این امر مستثنی نیست. اوستا مشتمل بر پنج بخش است؛ یسنه، یشت‌ها، وندیداد، ویسپَرَد و خرده اوستا. سروده‌های منسوب به زردشت که گاهان خوانده می‌شوند، در یسنه قرار دارد و هفده سرود از ۷۲ سرود آن را تشکیل می‌دهد. گاهان قدیمی‌ترین بخش اوستا است و به‌لحاظ محتوایی، زبانی و زمانی مورد توجه خاص محققان این حوزه است. به عقیدهٔ کلنز، اوستا کتابی یک‌دست نیست؛ بلکه آمیزه‌ای است گوناگون که لایه‌های آن چنان بسیار و درهم پیچیده‌اند که اگر نه محال، اما دشوار است که بتوان ساختار آن را دریافت و سرگذشتش را ردیابی کرد. دست‌کم کاملاً آشکار است که یسنه، حاوی مجموعه متون کوتاهی به‌شکل منظوم (گاهان) و منثور (یسن هفت‌ها)^۱ است که از حیث مفاهیم و زبان با دیگر بخش‌ها متفاوت است (کلنز، ۱۳۹۱: ۱۲).

۱. هپتنگ‌هاینی یا هفت‌ها، یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می‌دهند و به نثر هستند. پس از گاهان این بخش قدیمی‌ترین بخش اوستا است. در هفت‌ها بسیاری از اسطوره‌ها و افسانه‌ها خدایان قدیم و پیش از زردشت در نواحی مختلف ایران، با عقاید زردشت درآمیخته‌اند. به عقیدهٔ برخی، این مطالب هرگز با عقاید اولیهٔ زردشت سازگار نیست و علاقهٔ مردم به آن دوران و پایندی به سنت‌ها قدیمی موجب شده است موبدان و روحانیان زردشتی این باورها را برای ملموس‌تر کردن دین مزدیسنا بگنجانند (نارتن، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

نزد محققان، تفاوت زبانی و محتوایی گاهان با سایر قسمت‌های اوستا امری مورد وفاق، اما زمان پیدایش آن مورد اختلاف است. نتایج مطالعات زبان‌شناختی حاکی از آن است که گاهان به زبانی بسیار کهن‌تر از دیگر بخش‌های اوستا سروده شده است؛ باین‌حال، برخی این تفاوت زبانی را دال بر فاصله زمانی نمی‌دانند. هنینگ معتقد است صرف قدمت زبانی گاهان را نمی‌توان دلیلی بر قدمت این متن نسبت به سایر بخش‌های اوستا دانست؛ زیرا در دیگر بخش‌های اوستا قطعاتی وجود دارد که در وزن گاهان سروده شده‌اند (هنینگ، ۱۳۷۹: ۱۰۱). از نظر زبان‌شناسی نیز باستان‌گرایی ضرورتاً به معنی کهنه بودن نیست؛ چون ادیان محافظه‌کارند، تغییرات در آنها به‌کندی صورت می‌گیرد و زبان دین نیز به باستان‌گرایی^۱ تمایل دارد (مالاندر، ۱۳۹۱: ۴۵). از منظر این گروه، قدمت زبانی، تقلید از سنت نوشتاری کهن است. در مقابل، عده‌ای دیگر از ایران‌شناسان، کهن بودن زبان گاهان را دال بر تقدم زمانی آن گرفته‌اند (دارمستتر، ۱۸۸۰؛ آنگل، ۱۹۹۰). البته نزد آنان نیز درباره میزان این قدمت زمانی اجماعی وجود ندارد؛ زیرا پذیرش هریک از زمان‌ها به معنای پذیرش آن تاریخ برای گاهان است. البته با این پیش‌فرض که گاهان را سروده شخص زردشت بدانیم.

درباره تفاوت محتوایی گاهان با سایر بخش‌های اوستا، نظرات متعددی ارائه شده است. گروهی محتوای گاهان را عرفانی دانسته‌اند و آن را حاوی مضامین عرفانی می‌دانند که آثار آن را در سنت‌های عرفانی متأخر می‌توان مشاهده کرد (راسل^۲، ۱۹۹۳). برخی دیگر بر اخلاقی بودن محتوای این متون تأکید کرده‌اند و زردشت را همچون آموزگاری می‌پندارند که از نیک و بد پندار، گفتار و کردار سخن می‌گوید^۳ (استاسبرگ، ۲۰۰۴: ۶۸). گروهی نیز بر آداب و آیین‌ها تأکید داشته‌اند و سبک و سیاق آن را رمزآمیز، از نوع راز و نیاز با خدا و دارای زبانی پر ابهام می‌دانند که احتمالاً تنها در انجمنی دینی به کار می‌رفته و میان عموم رواجی نداشته است (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۸-۲۰). تنوع این رویکردها

۱. باستان‌گرایی، یعنی استعمال الفاظ و لغاتی که در زبان روزمره و عادی به کار نمی‌روند و احیای واژگانی که در دسترس عموم مردم نیستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲. نویسنده در این مقاله، مفاهیم عرفانی موجود در دین زردشتی و به‌ویژه گاهان را مورد بحث قرار داده و تأثیرات فرهنگی و تاریخی و چگونگی تعامل آن با سنت‌های فلسفی و دینی دیگر را بررسی کرده است.

۳. از نظر استاسبرگ، زردشت بعد جدیدی به دین در روزگار خود افزود که همان مسئولیت اخلاقی فرد در انتخاب نیک و بد و توحید در مقابل چندگانه‌پرستی است.

به محتوای گاهان به گونه‌ای است که فهم دقیق محتوا و جایگاه آن در نسبت با سایر بخش‌های اوستا و نسبت آن با جامعه معاصرش را با دشواری روبه‌رو ساخته است. آیا گاهان چیزی به کلی متفاوت و جدید است یا تداوم سنت دینی پیش از خود؟ برای زدودن این ابهام و نظرگاه‌های متنوع محققان، ابتدا هریک از آنها به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند.

واکاوی نظریه‌ها

(۱) هنینگ، ایران‌شناس و زبان‌شناس برجسته آلمانی، معتقد است آیینی که زردشت در آن پرورش یافته، یکسره مبتنی بر یگانه‌گرایی بوده است. این نظر وی، منحصر به فرد است. از نگاه او، آیین زردشت را تنها زمانی می‌توان به‌درستی دریافت که آن را اعتراضی علیه یگانه‌گرایی دانست. به این معنا که هرگاه تنها یک خدای نیک داشته باشیم که جهان را آفریده، چرا جهان باید این چنین دور از خیر و نیکی باشد؟ پاسخ مبتنی بر منطق و استدلال زردشت برای این پرسش این است که جهان را خدایی نیک و روحی خبیث که نیرویی یکسان دارند و کردار نیک را به تباهی می‌کشند، آفریده‌اند. این یک جنبه از نوآوری زردشت است؛ اما در پاسخ به این پرسش که پیام زردشت در گاهان چه تفاوتی با سایر آیین‌های ایران باستان دارد، هنینگ این تفاوت را در دوگانه‌پرستی و ارزش و مقام والای انسان در مقام داور میان نیک و بد می‌داند.

این دوگانه‌پرستی دوگانه‌گرایی اخلاقی است، نه از آن نوع که در اعصار بعد مبتنی بر دو نیروی ستیزه‌گر ماده و ذهن یا ماده و روح بودند. نبرد میان نیک و بد از آغاز زمان وجود داشته و تا پایان جهان نیز ادامه خواهد داشت. از آنجاکه دو نیروی متخاصم هم‌توان‌اند، فرجام کار نامعلوم است. در این میان عامل تعیین‌کننده، کردار جمعی بشریت است (هنینگ، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۴۰) تلقی نوی زردشت از انسان، تأکید بر قدرت انتخاب و این که انتخاب در امر کلی جهان اثرگذار است، همگی از مفاهیم منحصر به فرد گاهان در نگاه هنینگ است. وانگهی، پاسخ اعتراض گونه زردشت بر یگانه‌گرایی، آن هم در جامعه‌ای بدوی که پاسخی از روی استدلال است، امر بدیعی است که پیش از این سابقه نداشت. در بررسی دیدگاه هنینگ، محورهای کلیدی بحث او را می‌توان چنین برشمرد:

• سنت دینی معاصر گاهان یگانه‌گرایی بوده است؛

- گاهان نگاهی منتقدانه به یگانه‌گرایی دارد؛
 - تفاوت با آیین‌های ما قبل؛
 - نوآوری گاهان با طرح مفهوم «آفرینش جهان به‌دست دو نیروی متضاد»؛
 - نقش قدرت انتخاب‌گری انسان میان دو نیروی خیر و شر؛
- براین‌اساس، شاخص‌های برجسته بحث او عبارت‌اند از: نقد زردشت بر یگانه‌گرایی، دوگانه‌گرایی و اخلاق، و نقش انسان در انتخاب میان خیر و شر. موارد مذکور در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریهٔ هنینگ

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
تقابل زردشت با سنت یکتاپرستی پیشین	در تعارض با سنت دینی یکتاپرستی معاصر خود	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
	تفاوت با آیین‌های پیش از خود		
دوگانه‌گرایی نوآورانه و توجه به اخلاق	نگاهی منتقدانه به یکتاپرستی نوآوری با طرح «آفرینش جهان به «دست دو نیروی متضاد	محتوا	
	نقش قدرت انتخاب‌گری انسان میان دو نیروی خیر و شر		

۲) **نیبرگ**، ایران‌شناس سوئدی، معتقد است در زمان حیات زردشت آیینی در حال پا گرفتن و پیشرفت بود که همچون بحرانی، حیات اجتماعی قوم و تیره‌اش را تهدید می‌کرد. وی که روحانی جامعهٔ عصر خویش بود، برای دور کردن این تهدید وارد عمل شد، گرچه کار او خالی از انگیزه‌های دینی نبود. نیبرگ برای بررسی دینی که زردشت آورندهٔ آن است بر گاهان، و برای دست یافتن به تصویری از دین جامعهٔ عصر زردشت بر یشت‌ها به‌ویژه مهریشت تکیه دارد. با تأکید بر این نکته که پرستش دو خدای «میتره - ورونه» یکی از ویژگی‌های اقوام آریایی باستانی است. از منظر او، اهوره‌مزدا

پدیده‌ای نو و برساخته زردشت نیست. این نام که از دو بخش «اهوره» و «مزدا» تشکیل شده در گاهان به صورت جداگانه نیز به کار رفته است. از این رو، می‌توان دریافت این دو واژه برای عموم مردم آن زمان آشنا بوده‌اند.

«اهوره» اسم جنس طبقه خدایان و «مزدا» به معنای خردمند و دانا است. این واژه مرکب هرگز نام ویژه برای خداوند نبوده؛ بلکه خداوند مورد نظر زردشت نام دیگری داشته است. به عبارت دیگر، خدای زردشت اهوره‌ای به نام X است و لقب او مزدا است. این خدای X در واقع همان «ورونه» است و علت اینکه در سنت ایرانی ناپدید شده ولی جفت او «میتره» همچنان باقی مانده است، تغییر نام او است. او که از زمانی به بعد اهوره خوانده شده است، خدای آسمان روز و روشنایی و بامداد است و «میتره» خدای آسمان شب و ستارگان (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۹۷).

چنان که از یشت‌های اصیل‌تر برمی‌آید، «میتره» برترین خدا شناخته شده است و اهوره‌مزدا دیگر کارکردی ندارد؛ زیرا نقش خود را به نیروهای دیگر داده و عاطل مانده است. پیش از بحرانی که در ابتدای بحث اشاره شد، در تیره زردشت از خدای برتر، اهوره‌مزدا، کمتر سخن می‌رفته است. حل و عقد امور جهان با «وَهومنه»، «آرمیتی»، «هئورتات»، «آمرتات»، «دئنا»، «سروش» و مانند آنان بود. سرور خردمند در آن بالا خانه داشت و همه چیز را نظاره می‌کرد؛ اما در جهانی که دو پسر همزادش اداره می‌کردند، شرکتی نداشت. در «انجمن میتره» - همان آیین جدید تهدیدکننده جامعه زردشت - خدای برتر مؤثر «میتره» است. در مقابل او اهوره‌مزدا خدای به‌دورمانده و نه‌چندان واقعی قرار دارد که به او نیرو و ارزش کمتری داده می‌شد.

زردشت در نقش راهبر دینی جامعه خود، زمانی احساس خطر کرد که شاهد فرونی گرفتن گروندگان به آیین جدید (به شهادت گاهان و مهریشت، این آیین انجمن مهری است) بود. بزرگان قوم شیفته این آیین می‌شدند؛ زیرا دین پیکار و نبرد بود و با فرمانروایان و اشراف پیوند داشت و نیروی برتری به لحاظ سیاسی بود. این آیین که مراسم آن در شب برگزار می‌شد، ماهیتی خشن داشت. قربانی کردن «گاو» و گیاه مرگ‌گردان «هومه» دو عنصر اصلی این مراسم بودند،^۱ که بحرانی

۱. یسن ۳۲: ۱۲-۱۴، آنان با آموزش‌های خود، مردمان را از بهترین کردار بازمی‌دارند. آنان زندگی جهانیان را با گفتار فریبنده پریشان می‌کنند. آنان «گرهم» و یاران وی «کرپان» و شهریار خواستاران «دروچ» را بر «آشه» برتری می‌دهند. «مزدا» آنان را پادافره نهاده است. ۱۳: ای مزدا «گرهم» هر اندازه هم که آرزومند به دست آوردن

در مسیر بقای تیره زردشت بود. کسی که شب‌هنگام از «هومه» مست شود، در روز توان کار ندارد و کشتار «گاو»، سرمایه قوم، برای بقا خطرناک است. ارزش‌گذاری نادرستی که زردشت برای روشنایی روز در یسن ۵۰ بیان کرده حاکی از کشمکش پنهانی بر ضد دشمن دینی است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۵۸-۲۳۳). در واقع، زردشت در دفاع از جامعه گاهانی که اقتصادی مبتنی بر کشاورزی داشت، به تقویت نقش خدای اهوره‌مزدا اقدام کرد که در آن روزگار به خدایی دوردست و فراموش شده بدل شده بود. آنچه در گاهان منعکس شده است، نه آوردن دینی جدید، بلکه تقویت خدای فراموش شده و بازگرداندن او به صحنه زندگی است. به این ترتیب، نمی‌توان گاهان و زردشت را در تاریخ دینی ایران نقطه تحولی دانست، بلکه او تنها احیاگر سنتی است که رو به ضعف گذاشته بود. محورهای کلیدی نظر نیبرگ براساس آنچه اشاره شد به شرح زیر است:

- انقلاب دینی زردشت علیه دینی که در جامعه در حال شکل‌گیری بود؛
 - وجود نظام دو خدایی در عصر گاهان و قوت گرفتن «میتره» در مقابل «ورونه»؛
 - تقابل زردشت با دین جدید با تأکید بر «ورونه» و تغییر نام او به «اهوره‌مزدا»؛
 - بازگشت اهوره‌مزدا به صحنه در گاهان؛
 - نقش زردشت در راهبری دینی، احیای و واکنش به تغییرات اجتماعی؛
 - اثرات سوء اقتصادی و تأثیر دین جدید بر معیشت مردم با قربانی کردن.
- بر این مبنای شاخص‌های نظر او را می‌توان چنین برشمرد: تضاد گاهان با آموزه‌های دین معاصرش، اهوره‌مزدا خدای قادر مطلق، به حاشیه رفتن «میتره»، ابطال رسم قربانی کردن، احیا اعتقادات پیشازردشتی در قالب گاهان.

شهریاری در پناه «بدترین منش» باشد، سرانجام تباه‌کننده زندگی خود خواهد بود. آن‌گاه آنان آرزومندان خواستار پیام‌آور تو خواهند شد که اشته را در برابر هراس‌انگیزی وی نگاهبانی می‌کند. ۱۴: «گرهم» و «کوی»‌ها از دیرباز برای به ستوه آوردن وی خرد و نیروی خویش را به کار گرفته‌اند. آنان برآن شدند تا از دروندان یاری خواهند گفتند که زندگی باید به تباهی کشانده شود تا دوردارنده مرگ به یاری‌شان برانگیخته شود (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۲۵).

* در تمام نقل‌ها از گاهان از ترجمه جلیل دوستخواه استفاده شده است.

۱. برای مثال، یسن ۵۰: ۱۰، ... فروغ خورشید و سپیده‌بامدادی، نمود اشته و نیایش برای تو است (همان، ۲۴).

جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه نیبرگ

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
تأکید زردشت بر سنت یکتاپرستی پیشین	ماهیت انقلاب دینی زردشت بر اساس متن گاهان	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
	وجود نظام دو خدایی در عصر گاهان و قوت گرفتن «میتره» در مقابل «ورونه»		
یگانه‌گرایی کهن	الوهیت و یکتایی اهوره‌مزدا در گاهان	محتوا	
	نقش زردشت در راهبری دینی، احیاء و واکنش به تغییرات اجتماعی		
عملکرد اصلاح‌گرانه	جلوگیری از اثرات سوء اقتصادی و تاثیر قربانی بر معیشت مردم	کارکرد	

۳) بنونیست، ایران‌شناس اهل فرانسه، با بررسی متن‌های یونانی، به چهار صورت مختلف دین‌داری در ایران باستان اشاره کرده است:

- مزدپرستی غیرزردشتی هخامنشیان که کتیبه‌های گزارش هرودوت آن را وصف می‌کند؛
- دین مغان ماد که در موارد بنیادینی با زردشتی تفاوت دارد؛
- دین مغان کاپادوکیه و گونه‌ای انحطاط‌یافته از آیین مزدایی که استرابون آن را وصف می‌کند؛
- آیین زروانی که پلوتارک از طریق نوشته‌های تئوپمپوس و یا ادموس با آن آشنا شده است.

از نظر بنونیست، قدمت گاهان (که زبان کهنش گواه آن است)، نمایاننده کهن‌ترین مرحله دین ایرانی نیست. زردشت با دین‌آوری خود قصد داشت ستایش بنیادهای مجرد اخلاقی را جایگزین پرستش ایزدان باستانی کند که در یشت‌ها ستوده شده‌اند. یشت‌ها به لحاظ تاریخی از گاهان متأخرترند؛ اما حاوی عقاید و باورهایی‌اند که به دورانی کهن‌تر از گاهان تعلق دارند. آیین زردشتی سخت کوشید این باورها را طرد کند، ولی بعدها ناگزیر شد آنها را در خود مستحیل نماید. از نگاه او در خوشبینانه‌ترین حالت، می‌توان شروع و گسترش پیام زردشت را نهضتی محلی در شرق ایران دانست که با مقاومت کیش‌های رایج مواجه شد و نتوانست به چیرگی کامل دست یابد. در نتیجه، با همه آنچه در پی برانداختنش بود، در آمیخت و به گونه‌ای متفاوت گسترش یافت و به غرب

ایران رسید (بنونیست، ۱۳۷۱: ۴-۷۸). در بحث بنونیست به این محورهای کلیدی توجه شده است:

- وجود دین‌های متنوع هم‌زمان با ظهور گاهان؛
- جایگزینی اصول اخلاقی به‌جای پرستش ایزدان باستانی در گاهان؛
- تفاوت گاهان و یشت‌ها و تقدم زمانی باورهای موجود در یشت‌ها؛
- ناتوانی زردشت در تثبیت دین خود و درآمیختگی با باورهای پیشین.

شاخص‌هایی که می‌توان براساس محورهای یادشده طرح کرد، عبارت‌اند از: ستایش مفاهیم اخلاقی، قدمت یشت‌ها، تغییر مراحل دین‌داری در طول زمان، مقاومت باورهای پیشاگاهانی و تداوم آنها بعد از زردشت.

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه بنونیست

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		گاهان
تقابل زردشت با سنت پیشین	وجود دین‌های متنوع هم‌زمان با ظهور گاهان	نسبت با قبل (وضعیت)	
	تفاوت گاهان و یشت‌ها و تقدم زمانی باورهای موجود در یشت‌ها		
جایگزینی اصول اخلاقی به جای پرستش ایزدان باستانی	جایگزینی اصول اخلاقی به جای پرستش ایزدان باستانی	محتوا	
غلبه وضعیت فرهنگی اجتماعی	رشد دین زرتشت و درآمیختگی با باورهای پیشین	کارکرد	

۴) **ویدنگرن**، ایران‌شناس و استاد زبان‌های باستان اهل سوئد و شاگرد نیبرگ بود و بسیاری از نظرات استادش را حفظ کرد. از منظر او، ظهور زردشت انقلابی حقیقی در اجتماع آریایی است. زردشت دین نوینی را تجسم بخشید که بر ضد دین قدیمی برانگیخته شد. تصویر او از جامعه معاصر زردشت همسان با تصویر نیبرگ است؛ جامعه‌ای یک‌جانشین با اقتصادی مبتنی بر پرورش دام (گاو). آیینی در جامعه پدید آمده بود که در آن گاو در معرض رفتار وحشیانه

گروهی قرار می‌گرفت، به‌گونه‌ای که این امر موجب تزلزل اقتصاد جامعه شده بود. ویدنگرن، وجه نوآورانه و انقلابی دین زردشت را در یکتا دانستن اهورامزدا می‌داند. اهورامزداى زردشت، خدای قادر مطلقى است که تضاد نیک و بد در او وجود دارد و نیز با «سپنته‌مینو» وحدت دارد. زردشت مفهوم «امشاسپندان» را از دین سنتی اقتباس کرد و نقش جدیدی به آنها داد. به این معنا که جنبه روحانی و تعالی به آنها بخشید و آنان را صادرشده از اهوره‌مزدا دانست. افزون‌برآن، به اعتقاد ویدنگرن در گاهان تقابلی میان روح و تن مطرح می‌شود که البته این تقابل مفهوم ضدیت و دشمنی میان آن دو را نمی‌رساند. زردشت آگاهی به معاد قدیمی نزد ایرانیان را هم جنبه‌ای معنوی بخشید و درک تازه‌ای از «چینود» مطرح ساخت که براساس آن، این پل روان انسان را به آسمان می‌برد.^۱ به اعتقاد ویدنگرن، زردشت خود را فرستاده خدا معرفی کرد که وحی او را به زبان می‌آورد و معتقدان را پس از مرگ راهنمایی خواهد کرد،^۲ از آزمایش «ور» سخن می‌گوید و به خود چهره‌ای منجی می‌دهد. ویدنگرن، فصل هفت‌ها از یسنه را متأخرتر از گاهان می‌داند و اشاره می‌کند از این بخش به بعد، اندک‌اندک آثار التقاط اندیشه‌های زردشت با اندیشه‌های پیشین آغاز می‌شود. در ادامه و در یشت‌ها، سبک ادبی بر حلقه پیروان اثر می‌گذارد و زردشت از انسانیت خود فاصله می‌گیرد و نوعی الوهیت می‌یابد. سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک از این زمان خود را می‌نمایاند (ویدنگرن، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۹۹). به عبارت دیگر، آنچه در گاهان وجود دارد، پدیده‌ای نو و بدیع است؛ اما این پدیده در ادامه سنت و پس از زردشت، رفته‌رفته دچار التقاط اندیشه‌ها می‌شود و پیامی که زردشت بنیان‌گذار آن بود، از اصالت خود فاصله می‌گیرد. محورهای کلیدی دیدگاه ویدنگرن درباره گاهان را می‌توان چنین برشمرد:

- نقش انقلابی زردشت در جامعه خود؛
- اقتباس از باورهای سنتی و عرضه دین جدید؛
- یکتایی و مطلق بودن اهوره‌مزدا در گاهان؛
- تقابل روح و تن؛

۱. یسن ۴۶: ۱۰، ای اهوره‌مزدا! به‌درستی می‌گویم هرکس سجه مرد و چه زن - که آنچه را تو در زندگی بهترین کار شناخته‌ای بورزد، در پرتو «منش نیک» از پاداش «آشه و شهریار مینوی» برخوردار خواهد شد. من چنین کسانی را به نیایش تو رهنمون خواهم شد و همه آنها را از «گذرگاه داوری» خواهم گذرانید (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۵۶).

۲. یسن ۲۸: ۸، ای اهوره‌مزدا! این را از تو خواستارم که بزرگ‌ترین دهش و رسایی و رامش و پیوستگی با «آشه» را به «فرشوستر» از زانی داری و همین پاداش را در پرتو «شهریاری» نیک خویش، به دیگر پیروانم بخشی. بشود که ما هماره فرستادگان تو باشیم (همان، ۹).

- مفاهیم آخرت‌شناختی مانند چینود پل؛
 - التقاط اندیشه‌های منعکس‌شده در گاهان با دیگر اندیشه‌های هم‌عصر پس از حیات زردشت؛
 - انعکاس التقاط اندیشه‌ها در یشت‌ها.
- بر این اساس، شاخص‌های دیدگاه ویدنگرن عبارت‌اند از: نوآوری زردشت، عرضه مفاهیم جدید دینی بر مبنای باورهای پیشین، یکتایی اهوره‌مزدا، آخرت‌شناسی، و تأخر زمانی یشت‌ها.

جدول ۴. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه ویدنگرن

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
تقابل زردشت با سنت ماقبل	یکتایی و مطلق بودن اهوره‌مزدا در گاهان	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
	التقاط اندیشه‌های منعکس‌شده در گاهان با دیگر اندیشه‌های هم‌عصر		
	انعکاس التقاط اندیشه‌ها در یشت‌ها		
یگانه‌گرایی جدید	اقتباس از باورهای سنتی و عرضه‌ی دین جدید	محتوا	
	مفاهیم آخرت‌شناختی مانند چینود پل		
	تقابل روح و تن		
نقش اصلاح‌گرانه	نقش انقلابی زردشت در جامعه‌ی خود	کارکرد	

جدول ۵) زنر، متخصص و پژوهشگر ادیان شرق و ایران‌شناس اهل بریتانیایی بود. در نگاه او، زردشت روحانی است که احتمالاً با آن دینی که بعدها محکومش کرد، پیوند داشته است. زنر از یسن^{۳۲۱} چنین نتیجه می‌گیرد که دین سنتی جامعه شامل مراسمی از گونه مراسمات دین مهری است؛ ذبح گاو نر یا ماده در شب‌هنگام یا در مکانی به دور از تابش خورشید. این قربانی برای «دئوه»ها انجام و به‌همراه آن «هوم» نوشیده می‌شد.

زردشت خودش را چنان پیامبری می‌داند که از جانب خدا فرستاده شده و نه تنها تعالیم جدیدی را ارائه می‌کند، بلکه به اصلاح اعمال عبادی کهن‌تر نیز می‌پردازد. یکی از این اصلاحات، محکوم کردن «دئوه»ها در جایگاه خدایان شرور و سکوت معنادارش درباره سایر خدایان است. زنر، گاهان را - در مقایسه با ریگ ودا- حاوی پیامی توحیدی می‌داند.

زردشت براساس اصل اختیار، انسان و حتی اهوره‌مزدا را مخیر میان نیک و بد دانسته است، اگرچه اهوره‌مزدا همواره نیک را برمی‌گزیند. از دیگر ابداعات زردشت، مفهوم مینوی نیک و مینوی بد است. درباره منشأ این دو نیز، چنان که در گاهان آمده، اهوره‌مزدا پدر مینوی نیک و بد است و این دو، همزادند. براین‌اساس، می‌توان دریافت که اهوره‌مزدا پدر «انگرمینو» نیز هست؛ اگرچه مینوی بد با انتخاب خود به بدی گراییده است. به نظر می‌رسد، مایه اصلی پیام زردشت این باشد که اهوره‌مزدا را به شکل چشمگیری رفعت بخشیده است. این در حالی است که زردشت او را نه صرفاً بهترین و بزرگ‌ترین خدایان، بلکه خالق یگانه و حافظ جهان، قادر متعال و دانای مطلق می‌داند. او پدر اندیشه نیک و «سپنتمینو» خوانده می‌شود، اما این جوهرها از طریق عمل جسمانی تولیدمثل به دنیا نیامده‌اند؛ بلکه همچون صفات جاودانی خداوند به وجود آمده‌اند (زنر، ۱۹۶۱م: ۳۸-۵۳). از نگاه زنر، بازگشت به آیین‌های پیش از زردشت را باید از فصل هفت‌ها پی گرفت؛ زیرا جامعه اولیه زردشتی با فروریختن سلطنت و پستاسپ و مغلوب شدن در برابر کوروش، حامی خود را از دست داد و شروع به سازگار کردن خود با شرایط دگرگون‌شده سیاسی کرد (همان، ۷۳-۷۴). مؤلفه‌های محوری دیدگاه زنر را می‌توان چنین بیان کرد:

- اصلاحات زرتشت در اعمال عبادی؛
- تفاوت دین زرتشت با سنت‌های هم‌عصر؛
- بازتعریف اهوره‌مزدا با ویژگی‌های الهی؛
- ابداع مفهوم مینوی نیک و بد؛
- آزادی انسان در انتخاب میان نیک و بد؛
- تأثیر شرایط سیاسی بر دین؛

بر این‌اساس، شاخص‌های زیر را می‌توان از دیدگاه زنر استخراج کرد:

محکوم کردن «دئوه»ها به منزله خدایان شرور، تغییر در مراسم قربانی، تأکید بر خالقیت و یگانگی اهوره مزدا در جایگاه پدر سپنتمینو، نقش انتخاب‌گری انسان در شکل‌گیری مینوی نیک و بد، و اثر تحولات سیاسی بر دین.

جدول ۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه زرتشت

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
تقابل زردشت با سنت ماقبل	تفاوت دین زرتشت با سنت‌های هم‌عصر او	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
یگانه‌گرایی جدید و تأکید بر انتخاب اخلاقی	بازتعریف اهوره مزدا با ویژگی‌های الهی	محتوا	
	آزادی انسان در انتخاب میان نیک و بد		
نقش اصلاح‌گرانه و اثرپذیرفتن از وضعیت سیاسی	اصلاحات زرتشت در اعمال عبادی	کارکرد	
	تأثیر شرایط سیاسی بر دین		

۶) **ماریان موله**، پژوهشگر اسطوره‌شناسی و ادبیات ایران باستان، از جمله محققانی است که معتقد است تفاوت‌های موجود در گاهان و اوستای متأخر را باید از دید هم‌زمانی بررسی کرد و نه در زمانی. او معتقد است که تفاوت‌های گاهان و سایر قسمت‌های اوستا سیر تحولی را نشان نمی‌دهد، بلکه نشان از دینی با لایه‌های مختلف و ظهورات چندگانه دارد. سطوح آشکار شده از دین زردشتی عبارت‌اند از:

سطح اول: شامل متن اوستا که مشتمل بر دو بخش است: الف) دینی که در گاهان بروز یافته است. ب) دین نخبگان و روحانیون؛

سطح دوم: مشتمل بر کتیبه‌ها که دین شاهان هخامنشی است؛

سطح سوم: شامل دینی است که از گزارش مورخان یونانی به دست می‌آید و حاصل مشاهدات مورخان از دین‌داری عامهٔ مردم است (موله، ۱۳۶۳: ۹۹-۹۸).

این سطوح همچون دوایر متحدالمرکزی‌اند که داخلی‌ترین لایه مربوط به گاهان است، خارجی‌ترین آن دین عامهٔ مردم و دین شاهان هخامنشی نیز در میان آن قرار دارد (دوشن‌گیمن، ۱۳۸۳: ۱۵). موله به این شیوه، مبانی دیگری را که تقریباً به صورت اصول کلی پذیرفته شده بر تحقیقات ایران باستان سایه افکنده، مجدداً مورد بررسی قرار داده است. برای مثال، جدا از آنکه وجود تاریخی زردشت را اثبات‌پذیر نمی‌داند، اصلاح‌گر پنداشتن او را متأثر از کتاب مقدس می‌داند. عموماً می‌پندارند او خدایی یگانه را می‌پرستید که شش «امشاسپند» پیرامونش را فراگرفته‌اند. بعدها نیز گروهی از الوهیت‌هایی که خود زردشت طرد کرده بود، به این دین بازگشتند. افزون‌بر این، پیام گاهان را پرستش ناب ذهنی معرفی می‌کنند. به اعتقاد موله، همهٔ این اصول دربارهٔ دیانتی توحیدی با بافت دینی نخستین هزارهٔ پیش از میلاد مغایر است که در آن دین را نمی‌توان بدون مناسک و بدون قربانی تصور کرد، حتی اگر از ویژگی نیایش‌سرایانه گاهان هم صرف‌نظر شود. موله معتقد است اگر زردشت، پیامبری اصلاح‌گر در نظر گرفته شود، اصلاح او ضدآیینی و البته کم‌نتیجه بوده است؛ زیرا پرستش ایزدان، اعتقادات وی را به عقب راند. او دربارهٔ نوآوری‌های زردشت نیز می‌گوید به یقین همهٔ آموزه‌های گاهانی در دین ودایی وجود دارد. اموری همچون تضاد میان «اهوره»ها و «دئوه»ها، ستیز آنها و دوگانگی‌ای که ضروری این ستیز است، تجسم‌بخشی برخی هستی‌ها از جمله «آرمیتی»، آموزهٔ قربانی و موارد دیگر. از نظر موله این واقعیت که در دین زردشتی الوهیت اصلی نه «ورونه»، بلکه «اهوره‌مزدا» نام دارد، نباید الزاماً نشانهٔ قطع پیوند آگاهانه از گذشته فهم شود. این موضوع - از حیث مشابهت - چیزی بیش از تعویض «آدونای» با «یهوه» در گفتمان کتاب مقدس نیست. البته این امر به آن معنا نخواهد بود که گاهان مفهوم پالوده‌تری از الوهیت را در مقایسه با سرودهای آیینی ودا نشان نمی‌دهند؛ بلکه این تفاوت مستلزم تأثیر فردی اصلاح‌گر و آگاه در لحظه‌ای معین از تاریخ نیست.

موله «اصل انتخاب» را نیز هم از آن رو که نوآوری زردشت باشد و هم اینکه مقولهٔ انتخاب اخلاقی مد نظر باشد، مورد تردید قرار داده است. به اعتقاد موله، انتخاب نه میان نیکی و بدی، بلکه انتخاب آیینی است. افراد باید انتخاب کنند چه کسی را پرستند.

نیک آن چیزی است که برای من یا قبیله من نیک است و بد آن چیزی است که به قبیله من آسیب می‌زند. اگر جای «دئوه»ها، «اهوره‌مزدا» را می‌پرستند، بیش از هرچیز به این دلیل است که دریافته‌اند تنها او می‌تواند نعمت‌ها را برای آن کس که نیازمند آنها است، فراهم سازد. افزون‌بر این، تضاد «دئوه»ها و «اهوره»ها نیز مستلزم اهریمنی کردن یکی و الوهیت دیگری نیست. «اهوره»ها خدایانی بی‌رقیب و برتر و «دئوه»ها خدایانی جنگاورند. گاهان زندگی و نگاهبانی از آن را می‌ستاید. این آموزه نمی‌تواند خدایان جنگاور را مورد پرستش قرار دهد. در عوض، شه‌پیاران نیکی را می‌ستاید که کارکردشان حفظ نظم کیهانی و بارور کردن زندگی است. «دئوه»ها در گاهان هنوز الوهیت‌های هندوایرانی هستند که آیینشان با آیین گاهانی در تضاد است (موله، ۱۳۹۵: ۴۰-۲۵ و ۱۹۵-۱۹۷). از دیدگاه موله، وحی و پیام‌آور جدیدی در کار نیست و زردشت که اساساً شاید وجود تاریخی هم نداشته باشد، هیچ تحولی در دین کهن ایرانی ایجاد نکرده است، بلکه دین در سیر خود بدون هیچ وقفه‌ای در جریان بوده است. بر مبنای دیدگاه‌ها و استدلال‌هایی که موله مطرح کرده است، مؤلفه‌های محوری زیر را می‌توان برشمرد:

- وجود لایه‌های مختلف دین‌داری زردشتی؛
- عدم سیر تحولی به‌واسطه آنچه در گاهان بازتاب یافته است؛
- ابهام در اثبات وجود تاریخی شخصیت زردشت؛
- ضرورت مناسک و آیین‌های قربانی برای زردشتی اولیه؛
- عدم پیام‌آوری و اصلاح‌گری زردشت؛
- بازگشت تضاد «اهوره»ها و «دئوه»ها به پیش از زردشت؛
- «اهوره‌مزدا» الوهیتش را در قالب تغییر نام از «وَرَوَنه» به دست آورد؛
- انتخاب‌گری میان آیین‌ها و نه میان نیک و بد.

شاخص‌های دیدگاه موله بر مبنای این مؤلفه‌های عبارت‌اند از: وجود سه گونه دین‌داری به‌صورت هم‌زمان (دین نخبگان، دین مذکور در کتیبه‌ها، دین شاهان هخامنشی)، تحول نیافتن نوع و‌گونه دین‌داری ایرانی باوجود زردشت، تداوم الوهیت‌ها پس از گاهان، انتخاب‌گری میان آیین‌ها و نه میان نیک و بد، ظهور اهوره‌مزدا در قالب تغییر نام از «وَرَوَنه».

جدول ۶. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریهٔ ماریان موله

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
استمرار دین زردشتی در ادامه سنت پیشین	وجود لایه‌های مختلف دینداری زردشتی	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
	عدم سیر تحولی به واسطه‌ی آن‌چه در گاهان بازتاب یافته		
	عدم پیام‌آوری و اصلاح‌گری زردشت		
	عدم اثبات وجود تاریخی شخصیت زردشت		
یگانه‌گرایی کهن	تضاد «اهوره»ها و «دئوه»ها به پیش از زردشت باز می‌گردد	محتوا	
	«اهوره‌مزدا» الوهیتش را در قالب تغییر نام از «وَرَوَنه» به دست آورد		
تأیید دین قبیله‌ای زردشت	ضرورت مناسک و آیین‌های قربانی برای زردشتی اولیه	کارکرد	
	انتخاب‌گری میان آیین‌ها و نه میان نیک و بد		

۷) **دوشن‌گیمن**، استاد زبان‌های ایرانی دانشگاه لیژ در بلژیک، زردشت را اصلاح‌گری می‌داند که دین جامعهٔ خود را متحول کرد. این اصلاحات چنان‌اند که پیام او در گاهان را به دین جدیدی تبدیل می‌کند. زردشت بسیاری از عناصر دینی زمان خویش را یا نادیده می‌گیرد و یا به کلی تغییر می‌دهد. البته دوشن‌گیمن میزان موفقیت زردشت در این امر را چندان مثبت ارزیابی نمی‌کند؛ زیرا بعد از گاهان الحاقاتی به دین او افزوده می‌شود که زردشت بسیاری از آنها را یا رد کرده بود یا در حالت خوش‌بینانه

مسکوت باقی گذارده بود. همچنان که با فاصله کمی پس از او، سرودهایی در ستایش موجودات الهی بیگانه در مجموعه سرودهای او راه یافت^۱ (دوشن‌گیمن، ۱۳۶۳: ۱۱۰). برای روشن شدن نظر دوشن‌گیمن، به برخی از اصلاحاتی که در گاهان منعکس شده است، اشاره می‌شود تا تفاوت پیام زردشت بهتر درک شود.

اول (دوشن‌گیمن مخالف این نظریه است که زردشت پایه‌گذار یگانه‌گرایی است؛ زیرا نه در گاهان و نه دیگر قسمت‌های اوستا شواهدی دال بر یکتاگرایی مطلق به مفهومی که نزد بنی‌اسرائیل است، وجود ندارد (دوشن‌گیمن، ۱۳۶۳: ۲۲۲). نوآوری زردشت در آن است که در نظام دوگانه کهن ایزدان، که معمولاً بر پایه ستیز میان یک جهان‌آفرین رقیب با آفریدگار بنیادین است، افزون‌بر ابداع نام «اهوره‌مزدا»، جنبه اقتدار را نیز در آن گرد آورده است (دوشن‌گیمن، ۱۳۸۵: ۲۴۵). او ایزدانی همچون «میتره» را نادیده گرفت، «دئوه»ها را محکوم کرد و همه هستی‌ها را تابع و ملحق به اهوره‌مزدا قرار داد. این الحاق طبق گاهان از طریق ایجاد پیوند آبا و اجدادی میان اهوره‌مزدا که پدر «آشه»، «وهومنه» و «آرمیتی» است و مالکیت «خشته» و «هئورتات» و «آمرتات» را دارد، صورت گرفت (دوشن‌گیمن، ۱۳۶۳: ۲۵۹-۲۵۸). به عبارت دیگر، نوآوری زردشت در معرفی خدایی بود که هیچ‌گونه پایبندی به صفات سنتی شناخته‌شده پیشین خدایان نداشت (همان، ۵۶).

دوم زردشت با آموزه‌های خود، اعتراضی بر سرنوشت و تقدیرگرایی نیز داشت. از نظر دوشمن‌گیمن، زردشت با «زروان»، خدایی که برای داشتن فرزند قربانی می‌کرد، آشنا بود. «وایو» فرزند «زروان»، خدای نیک و بد و خدایی جامع میان این دو وجه متضاد است (همان، ۱۰۶). «زروان» خدای مبهم زمان یا فضا، نقطه آغاز است و همه چیز به تدریج از او تکامل می‌یابد. این تکامل تدریجی در زمان، بیانگر آن است که «زروان، سپهر جهان را محدود می‌کند و بر آن نظارت دارد. به زبان اسطوره نجومی، تقدیر افراد از طریق جدال کیهانی در ازل مقدر شده است» (هینلز، ۱۳۶۸: ۱۱۹). زردشت پرستش زمان و تقدیر را نسخ کرد و به استناد گاهان (پاره ۳۰، بند ۴

۱. این موضوع که زردشت بعد از طرد شدن از قبیله خود به غرب رفته و در آنجا موافقت ضمنی با آیین «هومه» و قربانی از خود نشان داده است، مخالف نظر نیبرگ است. او موافقت‌هایی را که در متون غیرگاهانی وجود دارد، نتیجه بازگشت به سنت‌های پیشین می‌داند.

و ۵) اصل را بر انتخاب نهاد.^۱ به نظر او، جهان از پیکار روان آفریننده با روح ویرانگر سرشار بود که به نابودی دومی و پیروزی جاودانی اولی منجر می‌شود (دوشن‌گیمن، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

سوم) به گفته دوشن‌گیمن، زردشت بسیاری از مفاهیم رایج را دگرگون کرد. برای نمونه، مفهوم «ور»^۲ که ایرانی‌ها بسیار از آن بهره می‌گرفتند را در معنای فرجام‌شناسی به کار گرفت. این مفهوم تا حد جهانی بزرگ شده است و بر هواخواهان دروغ و راست‌گویی در دآوری نهایی اعمال می‌شود. زردشت همچنین برخی اسطوره‌ها را بازتعبیر کرد. برای مثال چون با «میتره» مخالف بود و قربانی و خونریزی را مردود می‌دانست؛ تعبیر جدیدی از اسطوره کشتن گاو ازلی ارائه کرد که احتمالاً پیش‌تر «میتره» در باروری و آفرینش قهرمان آن بود (دوشن‌گیمن، ۱۳۶۳: ۱۱۵-۱۱۴).

دوشن‌گیمن بخش هفت‌ها در یسنه را آغاز سازگاری زردشتی‌گری با دین پیش از خود می‌داند؛ چنان‌که دیگر اشاره‌ای به زردشت نمی‌شود، اگرچه پیام او خوانده می‌شود. در ادامه این روند، واژه «یَزْتَه» برای تبیین چند خداپرستی مطرح می‌شود؛ زیرا دیگر سخن از خدای یگانه نیست. در یشت‌ها آخرت‌شناسی تکامل می‌یابد و عقیده به رستاخیز با بن‌مایه‌های افسانه‌ای غنی می‌شود. در وندیداد^۳ نیز دوگانه‌گرایی به‌شدت پررنگ می‌شود و همه‌چیز با آن تبیین می‌شود (دوشن‌گیمن، ۱۳۸۵: ۲۷۱-۲۷۵). دیدگاه دوشن‌گیمن حاوی مؤلفه‌های کلیدی زیر است:

- ابداع دین جدید با تغییر ساختارهای پیشین؛
- ناتوانی زردشت در ایجاد تغییرات گسترده در نگرش دینی؛
- تمرکز زردشت بر دوگانه‌گرایی اخلاقی با محوریت یک خدا؛
- بازتفسیر اسطوره‌ها و نهادن اصل «انتخاب» به‌جای «تقدیر»؛

۱. یسن ۳۰: ۴-۵، آن‌گاه که آن دو «مینو» به هم رسیدند، نخست «زندگی» و «نازندگی» را بنیاد نهادند و چنین باشد به پایان هستی: «بهترین منش»، پیروان «اشه» را بدترین زندگی، هوادران «دروج» خواهد بود. از آن دو «مینو» هواخواه «دروج» به بدترین رفتار گروید و «سپندترین مینو» که آسمان جاودانه را پوشانده است، و آنان که به آزادکامی و درستکاری، «مزدا اهوره» را خشنود می‌کنند، «اشه» را برگزیدند (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۱۵).

۲. آزمون تشخیص درست از نادرست که شامل گذشتن از میان دو آتش یا ریختن فلز مذاب بر تن می‌شود.

۳. وندیداد یکی از متون پنج‌گانه اوستایی و معطوف به قوانین تطهیر و آیین‌ها است. جنبه دوگانه‌گرایی و تقابل خیر و شر در این کتاب بسیار پررنگ است. به‌ویژه در فرگرد اول که شرح شانزده سرزمینی است که اهورامزدا خلق کرده است، و شانزده آفت یا پتیاره‌ای که اهریمن در تقابل با آنها ایجاد کرده است، شامل می‌شود. این کتاب مملو از وردها و دستورالعمل‌های طلسمی برای دفع یا بیرون راندن ارواح اهریمنی در هر ضرورتی از زندگی است (اسمیت، ۱۹۰۴: ۴۹۷).

• ابداع آخرت‌شناسی؛

• روند التقاطی اعتقادات دینی در زمان پساگاهان.

شاخص‌هایی که بر مبنای این مؤلفه‌های می‌توان استخراج کرد چنین است: نبود یگانه‌گرایی مطلق در گاهان، تأکید بر انتخاب فردی به‌جای تقدیر، تحول مفاهیم دینی و کاربردهای آخرت‌شناسی از آنها، بازتعریف اسطوره‌های پیشین.

جدول ۷. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریهٔ دوشن‌گیمین

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		گاهان
استمرار سنت ماقبل با نوآوری در آنها	زردشت خدای جدیدی ابداع نکرد و ساختارهای پیشین را تغییر داد	نسبت با قبل (وضعیت)	
عدم یکتاپرستی	تمرکز زردشت بر دوگانه‌گرایی	محتوا	
	تفسیر مجدد از اسطوره‌ها		
معرفی نظام دوگانه‌ی خدیان و حذف ایزدان	روند تکاملی اعتقادات دینی در زمان پساگاهان	کارکرد	
	عدم موفقیت زردشت در ایجاد تغییرات گسترده در نگرش دینی		

۸ نیولی، استاد کرسی ایران‌شناسی دانشگاه ناپل ایتالیا، جامعهٔ معاصر زردشت را تحت سلطهٔ اشراف جنگجو می‌داند که آداب دینی آنها براساس سنت‌های شرک‌آمیز استوار بود. در چنین بافتی، زردشت پیام اخلاقی متعالی و والای خود را اعلام داشت؛ ایمانی توحیدی و مذهبی باطنی که مخالف قربانی و آداب‌پرستی بود. از دیدگاه نیولی، در آیین زردشتی بین یگانه‌گرایی و ثنویت نبرد وجود ندارد و نمی‌توان دوگانه‌انگاری را به‌مثابه واکنشی در برابر توحید تصور کرد که پیش از آن وجود داشت. او «انگرمینو» را نه رقیب «سپنته-مینو»، بلکه انکار خدا می‌داند. خدای یکتا، آفریدگار همه‌چیز، از جمله دوزخ و زمین، نور و تاریکی، و خواب و بیداری است. این دیدگاه نیولی با نظر هنینگ در تضاد است.

نیولی معتقد است که اصلاحات زردشت در چند سطح صورت گرفته است؛ چنان‌که

او در انجام فرائض دینی و عبادات برخی آداب سنتی مانند قربانی کردن حیوانات و نوشیدن «هوم» را محکوم کرد و برخی عادات مذهبی و اعمال رازورزانه را با تفسیری نوین، متعالی بخشید. نیولی با تفسیر تقلیل‌گرایانه افرادی همچون زنر و نیبرگ مخالف است که نقش زردشت را صرفاً رهبری جنبش اجتماعی و سیاسی در اعتراض به شرایط نامطلوب می‌دانند. از دیدگاه او، پیام زردشت، اخلاقی، دینی و بسیار پیشرفته و تازه بود (نیولی، ۱۳۸۱: ۲۴۴-۲۳۳). دیدگاه نیولی مؤلفه‌هایی به این شرح دارد:

- وجود آداب دینی شرک‌آمیز پیش از زردشت؛
- پیام اخلاقی و متعالی زردشت در قالب توحید؛
- مخالفت با قربانی و آداب پرستی؛
- عدم نبرد یگانه‌گرایی و ثنویت (انگرمینو نفی خدا است)؛
- تفسیر دوباره عادات و آیین‌های دینی.

شاخص‌های نظر نیولی براساس مؤلفه‌های یادشده عبارت‌اند از: توحیدی بودن پیام زردشت در مقابل ثنویت، انتقاد زردشت از آداب سنتی معاصر خود، و وجه متعالی بخشیدن به عادات دین.

جدول ۸. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه نیولی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		گاهان
تقابل زردشت با سنت ماقبل	وجود آداب دینی شرک‌آمیز پیش از زردشت	نسبت با قبل (وضعیت)	
یگانه‌گرایی جدید	پیام اخلاقی و متعالی زردشت در قالب توحید	محتوا	
	ضدیت با قربانی و آداب پرستی		
	عدم نبرد یکتا پرستی و ثنویت (انگرمینو نفی خدا است)		
نقش اصلاح‌گرانه	تفسیر دوباره‌ی عادات و آیین‌های دینی	کارکرد	

۹) بویس، پژوهشگر دین زردشت و زبان‌های ایرانی اهل بریتانیا، بر این باور است که سنت

دینی ایران همواره تداوم داشته و نمی‌توان گاهان را پدیده‌ای مستقل از سیر تحول دین در ایران از روزگاران کهن دانست. او برخی از شاخص‌های دین جامعه معاصر زردشت را جزمیت نیافتن و تعصب دین رایج در برابر نوآوری و همچنین استمرار محافظه‌کارانه باورهای مردمان کهن می‌داند. بویس بر این اساس نتیجه می‌گیرد که پیام زردشت گسستی میان جریان رایج دینی عصر خود ایجاد نکرده است؛ زیرا ویژگی‌های دین رایج جامعه، مستلزم استمرار بوده است (بویس، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

از نگاه مری بویس، یگانه‌گرایی با روح دین هندوایرانی ناسازگار است و هیچ ایرانی باستانی را نمی‌توان یافت (حتی زردشت) که اکیداً یکتاپرست باشد؛ چنان‌که نه در سخنان خود زردشت و نه در هیچ منبع دیگری، تصریح خدای یگانه مشاهده نمی‌شود. از این‌رو، نتیجه می‌گیرد زردشت پرستش سایر خدایان را نفی نکرده است (بویس ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۱۶). در گاهان زردشت نه تنها «اهوره‌مزدا» و هفت «امشاسپند»، بلکه «اهوره»های دیگر^۱ (که فقط می‌توانند «میتره» و «ورونه» باشند) را فرامی‌خواند. زردشت از ایزدان فرودست‌تر نیز نام می‌برد: «سروش»، «آشی»، «گوش»، «تشن» و مانند آن. این‌ها بخشی از آفریده‌های «اهوره‌مزدا»یند و او را در رویارویی با بدی یاری می‌رسانند (بویس، ۱۳۷۴: ۲۷۳). برای مثال، بیشتر محققان بر آنند که زردشت وجود «مهر» را انکار کرده، یا تلویحاً نادیده گرفته یا با پرستش او مخالفت کرده است؛ اما از نگاه بویس، در گاهان، سرودها خطاب به اهوره‌مزدا است و هستی‌هایی که پیوند نزدیک‌تری به او دارند. در مهریشت نیز بیشتر بندها خطاب به «مهر» است و ایزدانی که با او پیوسته‌اند؛ از این‌رو نمی‌توان نتیجه گرفت مهرپرستان، دیگر ایزدان را نفی کرده‌اند. زردشت «مهر» یا هیچ‌یک از ایزدان دیگر را محکوم نکرده و دلیل قاطعی وجود ندارد که اثبات کند آنها را نفی کرده است. تنها نتیجه مشکوک و محتمل از سکوت زردشت استنباط شده است. سکوتی که بیشتر از آنکه حاکی از نفی باشد، حکایت از پذیرش عقاید سنتی و آیین‌های پرستش دینی دارد که در آن پا به جهان گذاشته بود (بویس، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۱۵). به این ترتیب، اگر انقطاعی اتفاق نیفتاده باشد، التقاطی هم صورت نگرفته است؛ آن‌چنان‌که بسیاری بر

۱. یسن ۳۰-۹: ای مزدا! ما خواستاریم که از آن تو و [در شمار] اهوراییان باشیم که هستی را نو می‌کنند. تو نیز ما را در پرتو اشته یاری کن تا هنگامی که خرد ما دستخوش دو دلی است، اندیشه‌های ما به هم نزدیک باشد (همان، ۱۵).
یسن ۳۱-۴: ای مزدا! ای اهوراییان. آن‌گاه که خواست ما را پاسخ‌گو باشید آروز خواهیم کرد که در پرتو اشته و آرمیتی و آشی و بهترین منش، شهریاری مینوی نیرومند از آن ما شود تا با افزایش آن بر دروج چیرگی یابیم (همان، ۱۸).

این نظر هستند. هرچند پاره‌ای تعلیمات زردشت حاوی نوآوری‌ها و اندیشه‌های تازه بود؛ با این حال، بعضی عناصر کیش کافری (کیش رایج پیشازردشتی) مانند مراسم آیینی و یا ایزدکده کافران کم‌وبیش حفظ شده بود. بنابراین، ایرانیانی که به کیش جدید می‌گرویدند با تغییرات چشمگیر در مراسم پرستش روبه‌رو نبودند (بویس، ۱۳۷۴: ۳۴۸؛ بویس، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

با این حال، مری بویس پیام زردشت را خالی از جنبه‌های بدیع نمی‌داند. او معتقد است زردشت با ورود پیام‌های روحانی و اخلاقی جدید به دین معاصر خود، مفهوم اهوره‌مزدا را به عالی‌ترین جایگاه رساند و مسئولیت‌های اخلاقی بیشتری را بر عهده نفوس انسانی نهاد (بویس، ۱۳۸۴: ۱۰۸). آنچه از سنت دین زردشتی برمی‌آید این است که زردشت الهیات اصلی دین کهن ایرانی را با تمام ایزدان آن حفظ کرد و اصلاحاتش اساساً مبتنی بر تفسیری ژرف‌تر و ظریف‌تر از باورهای پیشین بود. این تفسیر در پرتو ادراکی به‌غایت شخصی از الوهیت و نبردی که میان خیر و شر در جریان بود، درک می‌شد (بویس، ۱۳۸۴: ۱۴۲). مؤلفه‌های کلیدی دیدگاه بویس به این شرح است:

- استمرار باورهای دینی در قالب دین زردشت؛
- ناسازگاری یگانه‌گرایی با روح ادیان هند و ایرانی؛
- پذیرش عقاید سنتی با سکوت زردشت در مقابل برخی ایزدان؛
- عدم تغییر چشمگیر در مراسمات آیینی؛
- تفسیر ظریف‌تر از الوهیت‌های پیشین؛
- توجه به اصل انتخاب میان نیک و بد.

بر این اساس، شاخص‌های دیدگاه بویس چنین خواهد بود: تداوم سنت دینی ایرانی، عدم تصریح به یگانگی خداوند در گاهان، نبود دلایل قاطع بر نفی ایزادان از سوی زردشت، تعریف مسئولیت اخلاقی برای انسان‌ها، عدم تغییرات چشمگیر در آیین‌های پیروان گاهان.

جدول ۹. مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه مری بویس

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		گاهان
استمرار سنت ماقبل در نفی یکتاپرستی	استمرار باورهای دینی در قالب دین زردشت	نسبت با قبل (وضعیت)	
	نقد یکتاپرستی به دلیل ناسازگاری آن با روح ادیان هند و ایرانی		
چندخدایی کهن و ترویج منظر اخلاقی	سکوت زردشت در مقابل برخی ایزدان نشان دهنده‌ی پذیرش عقاید سنتی است	محتوا	
	پیام‌های اخلاقی و روحانی زردشت		
	تفسیر عمیق‌تر از الوهیت		
عملکرد مصلح	ضرورت مناسک و آیین‌های قربانی برای زردشتی اولیه	کارکرد	
	انعکاس تغییرات اندک در مراسم آیینی		

۱۰ کلنز، ایران‌شناس بلژیکی، با رویکردی زبان‌شناختی به سراغ گاهان رفته و نتایجی بدیع درباره مسائلی همچون معاد، نظریه دو مینو و توحیدی بودن گاهان ارائه کرده است. کلنز معتقد است پژوهندگان گاهان سعی کرده‌اند معنایی از این متن استخراج کنند که با عقاید مبتنی بر سبقه ذهنی‌شان موافق باشد. از نظر او، گاهان، نه اثر یک شخص، بلکه حاصل طرز فکر جمعی و بیان حال گروه دینی است. زردشتی که در هیئت پیامبر و مصلح در تاریخ ظاهر شده، نه شخصیتی تاریخی، بلکه شخصیتی افسانه‌ای است که در گاهان نیز نام او همواره با صیغه سوم شخص آمده است. گاهان محتوای توحیدی ندارد که به واسطه آن از دین کهن ایران و ادوار بعد متمایز باشد. «هورامزدا» تنها خدای مزدیسنا نیست و نمی‌توان ثابت کرد که در گاهان، «هورامزدا» بر دیگر خدایان تفوق و تقدم داشته باشد. از دیدگاه او، منظومه دینی که در گاهان تصویر شده است، مربوط به لحظه‌ای خاص در تاریخ است. این منظومه دینی آن قدر ناپایدار است که نه کلمه «کثرت خدایان» از عهده

تعریف آن برمی‌آید و نه توحید، بلکه می‌توان آن را عقیده به چندخدایی ناپایدار تعریف کرد. افزون‌بر این، در گاهان اثری از معاد، پاداش و پادافره و پیروزی میان خیر و شر وجود ندارد. او با ریشه‌شناسی واژه‌هایی همچون *ada*^۳، *asi*^۲، *mizda*^۱، چینود پل و برخی واژه‌های دیگر که بار معنایی معادی بر آنها حمل می‌شود، چنین نتیجه می‌گیرد که از این واژه‌ها جز معنای ظاهری و مادی که دارند، هیچ‌یک بر سرنوشت روان فرد بعد از مرگ اشاره ندارد. درخصوص دو مینوی زردشتی نیز به نظر کلنز، آنچه بر مبنای یسن ۳۰ پارۀ ۳ مبنای نظریه دو روح قرار گرفته و انتخاب خیر و شر مطرح شده است، در واقع نه در پی بیان منشأ اسطوره‌های خیر و شر، بلکه به دنبال تحلیل اجمالی رفتار انسان در چارچوب تنگ عمل آیینی است و جامعه گاهانی به واسطه آن خود را از دشمنانشان متمایز می‌کردند. هنگام اجرای عمل آیینی، مادامی که آن آیین در ذهن است، دو مینو در ذهن همزادند و در لحظه کردار آشکار می‌شود که یکی کار نیک را باعث می‌شود و دیگری کار بد را. خدایان بد این دو حالت ذهن را تشخیص نمی‌دهند و آیین‌های خوب و بد را می‌پذیرند (کلنز، ۱۳۹۱: ۳۴-۴۵). از دیدگاه‌های کلنز، این مؤلفه‌ها استخراج می‌شود:

- گاهان تاریخی است و حاصل کار جمعی، نه یک فرد؛
- نبود محتوای توحیدی در گاهان؛
- برتری نیافتن اهوره‌مزدا بر دیگر خدایان؛
- نبود مفاهیم مرتبط با معاد در گاهان؛
- تحلیل رفتار انسان در چارچوب عمل آیینی؛
- وجود دو حالت ذهنی نیک و بد هنگام انجام عمل؛

۱. در معنای مزد و پاداش اخروی به کار رفته است و کلنز آن را در معنای مزدی که خدایان در حین اجرای مراسم عبادی به هم می‌دهند به کار برده است که به سرنوشت روان پس از مرگ دلالت ندارد.

۲. این کلمه را هم در معنای پاداش در داوری پسین گرفته‌اند؛ اما کلنز آن را ایزدی می‌داند که رفتار نیک آیینی را مجسم می‌کند.

۳. به معنای عوض و جزا در روز پاداش گرفته شده است؛ اما کلنز معنای لحظه‌ای در آیین که قربانی را بر زمین می‌نهند، به آن داده است.

۴. در آغاز که آن دو «مینو» همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار [یکی] نیک و [دیگری] بد، با یکدیگر سخن گفتند. اما ترجمه کلنز چنین است: «می‌خواهم اعلان کنم دو حالت اساسی روح را که به‌مثابه دو رؤیای توأمان شناخته شده‌اند در زمان اندیشه و گفتار، در زمان عمل، دو (عمل) وجود دارد: بهتر و بد. میان این دو بخشندگان درست تمیز دادند و نه خسیسان». این نیز یکی از آشفتگی‌های مطالعات ایران باستان است که ترجمه‌های اوستا گاه به‌کلی متفاوت از هم می‌شوند. خانم فرانک دوانلو، هشت ترجمه برتر گاهان را در کتاب «گات‌های زرتشت» کنار هم قرار داده است. مطالعه این ترجمه‌ها، اختلاف‌های فراوان و نامتعارف مترجمان را نشان می‌دهد.

شاخص‌های دیدگاه کلنز بر این مبنا عبارت‌اند از: اشاره نکردن به نویسنده خاص در گاهان، توحیدی نبودن گاهان، نبود معنای آخرت‌شناختی برای واژگانی که تصور حمل چنین معنایی بر آنها می‌رفت، و اثر حالت ذهنی نیک و بد بر نتیجه عمل.

جدول ۱+ مؤلفه‌ها و شاخص‌های نظریه کلنز

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها		
سنت دینی مستمر	گاهان تاریخی است و حاصل کار جمعی، نه یک فرد	نسبت با قبل (وضعیت)	گاهان
	برتری نیافتن اهوره‌مزدا بر دیگر خدایان		
قبول نظام خدایان	نبود محتوای توحیدی در گاهان	محتوا	
	نبود مفاهیم مرتبط با معاد در گاهان		
عملکرد پیروان	تحلیل رفتار انسان در چارچوب عمل آیینی	کارکرد	
	وجود دو حالت ذهنی نیک و بد هنگام انجام عمل		

نتیجه‌گیری

با نگاهی به آنچه گفته شد، می‌توان در جدولی ترتیبی، دیدگاه‌های مختلف افرادی را که بررسی شده‌اند درباره پرسش این تحقیق به صورت یکجا گرد آورد. پرسش این بود که در نظر این ایران‌شناسان، گاهان (حاوی سخنان زردشت)، چه نسبتی با سنت دینی معاصرش دارد؛ آیا در پیوست با آن است یا گسست از آن. به منظور تسهیل در مقایسه و دسته‌بندی، پاسخ‌ها به این پرسش در جدول شماره ۱۱ در سه سطح وضعیت، محتوا و کارکرد در کنار هم آمده‌اند.

جدول ۱۱. صورت تربیی رویکردها به گاهان

کارکرد	محتوا	وضعیت	محقق
انتخاب‌گری انسان	دوگانه‌گرایی نوآورانه و توجه به اخلاق	گسست از سنت یگانه‌گرایی پیشین	هنینگ
نقش احیاگرانه زردشت	یگانه‌گرایی کهن	پیوست با سنت پیشین، با تأکید بر یگانه‌گرایی کهن	نیبرگ
نقش اصلاح‌گرانه زردشت	ستایش مفاهیم مجرد اخلاقی	گسست از سنت پیشین	بنونیست
نقش اصلاح‌گرانه زردشت	یگانه‌گرایی جدید	گسست از سنت پیشین	ویدنگرن
روحانی بودن و نقش اصلاح‌گرانه زردشت	یگانه‌گرایی جدید و تأکید بر انتخاب اخلاقی	گسست از سنت پیشین	زهر
تأیید دین قبیل‌های زردشت	یگانه‌گرایی کهن	پیوست با سنت پیشین	موله
معرفی نظام دوگانه‌ی خدیان و حذف ایزدان	یگانه‌گرایی در قالب باز تعریف دوگانه‌گرایی کهن	گسست از سنت‌های پیشین با نوآوری در آنها	دوشن‌گیمن
نقش اصلاح‌گرانه	یگانه‌گرایی جدیدی (توحید)	گسست از سنت پیشین	نیولی
افزودن جنبه‌های اخلاقی	چندخدایی کهن و توجه به اصل انتخاب	پیوست با سنت دینی پیشین	بویس
تأیید دین قبیل‌های زردشت	حفظ نظام خدایان پیشین	پیوست با سنت پیشین	کلنز

براساس سطوح سه‌گانه وضعیت، محتوا و کارکرد، می‌توان نسبت افراد پیرو هر رویکرد را با آن سطوح، در جدول ترکیبی زیر نشان داد تا از طریق تداخل رویکردها و جایگاه افراد، نتایج بهتری به دست آورد. ستون اول مرتبط با کارکرد است که تعلق هر محقق به «گسست» یا «پیوست» را نشان می‌دهد. ستون دوم مرتبط با محتوا است؛ اگرچه در برخی موارد شاخص‌های مورد نظر محقق با دیگری در این جدول هم‌پوشانی دارد، این

موضوع باعث نمی‌شود میان آنها در تعلق به یکی از دو دسته پیش‌گفته خللی به وجود آید. ستون سوم نیز نشان می‌دهد توجه به نقشی که در انتخاب‌گری انسان در نیک و بد وجود دارد بیشتر برای گروه «گسست» مهم‌تر است، و پیروان «پیوست» بر جایگاه ویژه زردشت تأکید داشته‌اند.

جدول ۱۲. صورت ترکیبی رویکردها به گاهان

هنینگ	توجه به نقش انسان	هنینگ	اخلاقی	دوگانه گرایی	هنینگ	گسست از سنت پیشین
ماریان موله		بنونیست			بنونیست	
کلنز		دوشن گیمن			ویدنگرن	
نیبرگ	جایگاه ویژه زردشت	نیبرگ	کهن	زرن		
ویدنگرن		ماریان موله		دوشن گیمن		
نیولی		ویدنگرن		یگانه گرایی	نیولی	
بنونیست	زرن	نیبرگ				
دوشن گیمن	بازتعریف سنت پیشین	نیولی	ماریان موله			
		کلنز	چندخدایی	مری‌ویس		
				کلنز	پیوست با سنت پیشین	

چنان‌که بیان شد، موضوع دین ایران باستان و به‌ویژه رویکرد پژوهشگران به گاهان هنوز ابهامات فراوانی دارد. گاهی مطالعات جدیدتر نتایجی را به دست می‌آورند که مکمل نظرات پیشین هستند و گاه به‌گونه‌ای است که از اساس همه آنچه را که پذیرفته شده بود، نقض می‌کند. آرای ایران‌شناسانی را که در این مقاله بررسی شده‌اند، صرف‌نظر از پراکندگی ظاهری می‌توان در دو دسته جای داد: «گسست» از سنت دینی پیشین و «پیوست» با آن. از دیدگاه گروهی، گاهان به‌منزله متنی خاص و پیامی جدید در سنت دینی ایران باستان است و در میان سایر متون مقدس همچون «تافته‌ای جدابافته» خودنمایی می‌کند. این گروه معتقدند که زردشت پایه‌گذار جریان دینی بی‌سابقه‌ای در جامعه خود بوده است و از این رو چهره‌ای ویژه به شمار می‌آید. این گروه را معتقدان به «گسست» می‌نامند.

از میان افراد بررسی شده، هنینگ، بنونیست، ویدنگرن، زنر، دوشن گیمن و نیولی در گروه معتقدان به «گسست» جای می‌گیرند. این گروه، متن گاهان را از وجوه مختلف واجد اندیشه و اثری نو می‌بینند که آن را از گذشته منقطع می‌کند. هنینگ، بنونیست و ویدنگرن این انقطاع را در تمرکز گاهان بر دوگانه‌گرایی، انتخاب‌گری انسان در اختیار کردن خیر یا شر و نقش اصلاح‌گرانه زردشت می‌بینند؛ اما زنر معتقد است نوآوری زردشت در یگانه‌گرایی و نفی دوگانه‌انگاری است و دوشن گیمن این وجه را در بازتعریف دوگانه‌گرایی کهن می‌بیند. در این نگاه، زردشت به‌طور عموم عاملیت دارد و در نقش مصلح دینی یا اجتماعی رخ می‌نماید که نظام دینی جدیدی را معرفی می‌کند. این نظام دینی متأثر از جریان‌ات اجتماعی یا سیاسی هم‌عصر او است.

در میان این افراد، نیولی دیدگاه متفاوت‌تری دارد. از نظر او، وجه نوآوری زردشت در گاهان، تجرید سنت‌ها و مفاهیم دینی رایج در زمان خود و معنای نو بخشیدن به آنها است؛ به‌طوری‌که وجهی متعالی و بی‌نظیر به آن می‌بخشد و گاهان را لحظه‌ای بی‌نظیر در تاریخ می‌انگارد که نوعی توحید متعالی را در ساحت دین وارد کرده است.

مسئولیت و نقش انتخاب‌گر انسان و به‌طور کلی اصل «انتخاب» در رویکرد «گسست» جایگاه پررنگی دارد. به نظر می‌رسد یکی از برجسته‌ترین وجوه تفاوت گاهان با سنت پیش از خود، توجه به همین انگاره است. هم انسان‌ها باید میان خیر و شر انتخاب کنند، هم اهوره‌مزدا پیش از همه دست به این عمل زده و خیر را برگزیده است. به نظر می‌رسد این موضوع تا پیش از گاهان سابقه نداشته است. بنابراین، معیار تشخیص پیروان رویکرد «گسست» را می‌توان چنین برشمرد:

- نوآوری مفهومی گاهان؛
- تغییر در نظام اعتقادی و اخلاقی؛
- اثرپذیری از شرایط اجتماعی و سیاسی.

رویکرد «پیوست» در مقابل رویکرد «گسست» قرار دارد. از دیدگاه این گروه، زردشت عملاً نوآوری چشمگیری در پیام خود نداشته؛ بلکه همان سنت‌های پیش از خود را ادامه داده یا احیا کرده است. برای مثال، نیبرگ معتقد است زردشت احیاگر سنت‌های رایج در زمان خودش است که با رشد آیین مهرپرستی در معرض افول قرار گرفته بود. به‌همین ترتیب، موله و کلنز هم مفاهیم مندرج در گاهان را حول تأیید دین قبیله‌ای زردشت فهم و تفسیر کرده‌اند. بویس نیز علاوه‌بر این، معتقد است زردشت جنبه‌های اخلاقی‌ای را بر آنچه

بود، افزوده است. در رویکرد «پیوست»، به شواهدی همچون وجود نظام چندخدایی کهن یا یگانه‌گرایی کهن در گاهان تأکید شده است. به عبارت دیگر، افرادی همچون نیبرگ معتقدند، گاهان حاوی مفاهیم یگانه‌انگارانه‌ای است که از روزگاران کهن جریان داشته است. کسانی نیز مانند بویس و کلنز، نظام خدایان را (چندخدایی یادوگانه‌انگاری) که در گاهان تشخیص داده‌اند، با قبل از زردشت پیوند می‌دهند. گاهان در رویکرد «پیوست» استمرار سنت دینی دیرینه‌ای است که پیوسته و مداوم بوده و هرگز در آن وقفه‌ای حاصل نشده است. معیار تشخیص پیروان «پیوست» از این قرار است:

- عدم نوآوری؛
- شباهت ساختاری و مفهومی؛
- توسعه مفاهیم موجود.

این بررسی نشان داد آرای به‌ظاهر پراکنده محققان حوزه تاریخ دین ایران باستان را می‌توان در چارچوبی دسته‌بندی کرد که ساختار و نظامی منطقی به خود بگیرند. با کمک همین دسته‌بندی، می‌توان تحلیل‌های عمیق‌تری انجام داد که پیچدگی‌های ظاهری را کاهش می‌دهند و اطلاعات را فهم‌پذیرتر می‌کنند. معیارهای معرفی شده بر سایر مطالعات ایران‌شناسی نیز انطباق‌پذیر است؛ به طوری که با در نظر گرفتن آنها می‌توان مشخص کرد هر محقق به کدام دسته تعلق دارد، یا هر پژوهشگری که قصد آغاز پژوهشی در این باره دارد، از کدام دیدگاه قصد دارد به گاهان و پیام زردشت بنگرد. همان‌طور که از گذشته تاکنون همواره نظریه‌هایی مطرح شده‌اند که ناقض یکدیگر بوده‌اند، پس از این نیز ممکن است نظریه‌هایی ارائه شوند که مسائل پذیرفته‌شده قبلی را به چالش بکشند. اما همه این آرا براساس انطباق یا عدم انطباق با الگوی مذکور، تحت عناوین کلی گسست و پیوست دسته‌بندی می‌شوند.

منابع

بنونیست، امیل (۱۳۷۱). *دین ایرانی بر پایه متن‌های کهن یونانی*. ترجمه بهمن سرکاراتی.

تهران: نشر قطره.

بویس، مری (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی، ج. ۱. تهران: توس.

بویس، مری (۱۳۸۴). *نقش مهر در هند و ایران باستان*. ترجمه بابک عالیخانی. تهران: ققنوس.

- بویس، مری (۱۳۸۶). آیین زردشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش. ترجمه ابوالحسن تهمی. تهران: انتشارات نگاه.
- پوردوود، ابرهیم (۱۳۷۷). گات‌ها، قدیمی‌ترین قسمت اوستا. تهران: اساطیر.
- تفضلی، احمد، و آموزگار، ژاله (۱۳۷۰). اسطوره زندگی زردشت. تهران: کتابسرای بابل.
- درویشی، فرنگیس (۱۳۸۵). بررسی گاهان اوستا از منظر دینی و زبان‌شناسی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۶، ۳۶-۵۲.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱). اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی. تهران: مروارید.
- دوشن‌گیمن، ژاک (۱۳۶۳). زرتشت و جهان غرب. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: مروارید.
- دوشن‌گیمن، ژاک (۱۳۸۳). آرای گوناگون درباره زردشت. ترجمه آرزو رسولی. تهران: نامه فرهنگستان، ضمیمه شماره ۱۶.
- دوشن‌گیمن، ژاک (۱۳۸۵). دین ایران باستان. ترجمه رؤیا منجم. تهران: نشر علم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸). موسیقی شعر. تهران: نگاه.
- عالیخانی، بابک (۱۳۷۹). بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی. تهران: هرمس.
- کامبین، مینا، زرشناس، زهره، و گشتاسب، فرزانه (۱۴۰۲). مراتب آفرینش در گاهان. زبان‌شناخت، ۱۴(۳)، ۲۱۱-۲۲۶.
- کلنز، ژان (۱۳۹۱). مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی. ترجمه احمد قائم‌مقامی. تهران: فرزنان روز.
- مالاندرا، ویلیام (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر دین ایران باستان. ترجمه خسرو قلی‌زاده. تهران: پارسه.
- موله، ماریان (۱۳۶۳). ایران باستان. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: توس.
- موله، ماریان (۱۳۹۵). آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان. ترجمه محمد میرزایی. تهران: نگاه معاصر.
- نارتن، یوهانا (۱۳۸۳). مضمون یسن هفت‌ها و تقابل آن با گاهان. ترجمه پریسا درخشان‌مقدم. فصلنامه فرهنگ، ۴۹ و ۵۰، ۱۳۰-۱۴۵.
- نمیرانیان، کنایون (۱۳۸۹). بررسی و سنجش افکار عرفانی اشوزردشت در گات‌ها با آثار عرفای بزرگ مسلمان فارسی‌سرای. مطالعات ایرانی، ۴۵(۱۸)، ۳۲۵-۳۳۶.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۹). دین‌های ایران باستان. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- نیولی، گرادو (۱۳۸۱). زمان و زادگاه زردشت. ترجمه سید منصور سجادی. تهران: آگه.

نیولی، گاردو (۱۳۹۳). زردشت در تاریخ. ترجمه مهديه چراغیان. تهران: پارسه.
ویدنگرن، گئو (۱۳۷۷). دین‌های ایران. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
هنینگ، والتر برونو (۱۳۷۹). زردشت سیاستمدار یا جادوگر. ترجمه کامران فانی. تهران: پرواز.
هینلز، جان راسل (۱۳۶۸). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی.
تهران: کتابسرای بابل.

Angell, M. (1990). *Les Gathas: Hymnes Zoroastriens*. Editions du Cerf.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.

Choo, C. W. (1996). The Knowing Organization: How Organizations Use Information to Construct Meaning, Create Knowledge and Make Decisions. *International Journal of Information Management*, 16, 329-340.

Daryaei, T. (2002). *Šahrestānīhā ī Ērānšahr A Middle Persian Text on Late Antique Geography, Epic, and History*. California: Mazda Publishers

Davenport & Prusak (1998). *Working knowledge: How organizations Manage What They Know*. Harvard Business School Press.

Drmešteter, J. (1880). *The Zend-Avesta: The Sacred Books of the Parsis*. Oxford university Press.

Kogut, B., & Zander, U. (1992). Knowledge of the firm, combinative capabilities, and the replication of technology. *Organization science*, 3(3), 383-397.

Russell, J. R. (1993). On mysticism and esotericism among the Zoroastrians. *Iranian Studies*, 26(1-2), 73-94.

Saldaña, J. (2016). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. SAGE Publications.

Smith, H. G. (1904). Persian dualism. *The American Journal of Theology*, 8(3), 487-501.

Zaehner, R. C. (1961). *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*. New York: GPPS Publishers.

